

نخستین آفرینش

بنا بر عقیده ایرانیان باستان
اهورا مزدا نخست جهان را بصورت
مثال «*idee*» آفرید و پیش از وجود
آوردن جهان مادی يك جهان
مینوی پدید آورد و مثال و تصور
کامل و تمامی از جهان استدراک
کرد و گوهر مینوی و متعالی آنها
را از گوهر خویش و با تجلی خویش
بهستی در آورد. خود اهورا نیز
از همین گوهر است و بنوعی وابسته
و پیوسته باین مینو و تصور خالقه
است و همبستگی خالق و مخلوق
يك همبستگی متقابل است و نسبت
خالق بمخلوق همانند نسبت
مرکز دایره است بمحیط دایره
و يك رابطه جنسیت عالم مینوی
و موجودات مینوی را به اهورا مزدا

جشن فروردین

و سبب پیدایش و رابطه آن با

جهان فروری

بقلم دکتر بهرام فره‌وشی

می پیوندد. این عالم مثالی در اصطلاح اوستائی جهان فروشی Fravashi و در پهلوی جهان فروهر Fravahr یا جهان فرور Fravar نام دارد.

بنا بر جهانشناسی ایرانی، اهورا مزدا با تفاقش امشاسپند یا جاودانیان مقدس در جهان مینو، اداره جهان را بدست دارد و خود اهورا در رأس این شش فرشته بزرگ قرار دارد و با آنها يك مجموعه هفت تنی را تشکیل میدهد که در عین کثرت وحدتی را بوجود می آورند، پس از امشاسپندان مقام یزتها یا ایزدان والا تر از همه است و خود امشاسپندان نیز جزو این یزتها هستند. سپس مقام فروشی ها یا مینوهای نگهبان است. عدۀ اینان آنقدر زیاد است که بقول هرودوت آسمان دنیای ایرانی پر از فرشته است. باینکه فرورها خود دسته ای جداگانه هستند، هر يك از امشاسپندان و یزتها و حتی خود اهورا نیز دارای فرور هستند. شش امشاسپند با آنکه آفریده اهورا هستند، گاه با خود اهورا برابری میکنند و در نظم و سامان جهان اهورا را یار و یاورند.

این شش امشاسپند چنین اند: بهمن، اردی بهشت، شهریور، سپندرمت، خرداد، مرداد. اینان که در دوران ساسانی تشخیص یافته اند و برخی از آنها مانند خرداد و مرداد بصورت هاروت و ماروت به ادیان دیگر نیز رفته اند در دراصل صفات مجردی هستند و چون میدانیم که اینان نخستین پدیده های اهورا هستند میتوان گفت که در واقع صفات خود اهورا هستند که بصورت سمبول درآمده اند و وی را یاری میکنند و باین ترتیب کثرتی که در مجموعه هفتگانه وجود دارد دراصل به خود اهورا باز میگردد و واحدی میشود که شش صفت از خود متجلی و صادر کرده است.

جهان هستی

در سنت ایرانی عمر جهان دوازده هزار سال است و تصور میشود که این عدد ۱۲ از بروج دوازده گانه پدید آمده است. این دوازده هزار سال که عمر جهان است زمان کرانه مندانام دارد که خود قسمتی است از زمان بیکرانه. این دوره دوازده هزار ساله با فراشکرت یا تجددیست خلقت بسته میشود و دوره ای دیگر شروع میشود و پایان آن گویا بستگی به يك واقعه کیهانی دارد و این



پرو مشكاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو مشكاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دوره آنکه پایان مییابد که ستارگان راه معینی را پیمایند و به دومی دور دست، برسند.

دوره دوازده هزارساله هستی به چهار دوره سه هزارساله تقسیم میشود. در سه هزارسال نخستین، عالم هستی فقط يك عالم متعالی است که در آن مثال همه موجودات بصورت فروشی یا فرور پدیدار میشوند. در مدت این سه هزار سال جهان در سکون مطلق است. ماه، ستاره، خورشید، انسان، آب، گیاه، حیوان و فضای فروغ بی پایان وجود دارد ولی بصورت مثالی و همه ساکن اند. آنچه که باین عالم ساکن روح و حرکت میبخشد، نیروئی از تجلیات خوداهورا است و بنابر فروردین یشت این نیرو فروشی است. بتوسط این نیرو جهان در يك آن بحرکت و جنبش می افتد.

در نه هزارسال ابتدای بعدی این جهان فروری بجهان مادی تبدیل میشود، بدینسان که فرورها در يك فاصله زمانی و کیهانی معین بیگر مادی درمی آیند و بقول نویسنده انجیل «دیاتسرون» کلمه گوشتمند میگردد.

بنابر کتاب بندهشن، هر مزد پیش از خلق بشر به فرورها که مدت زمانی با خود او در جهان مینو میزیستند گفت که یا جاودانه در جهان مینو باقی بمانند و یا برای جنگ با اهریمن به پیگر مادی در آیند و بجهان مادی فرود آیند و فرورها پذیرفتند که بجهان مادی فرود آیند و بابدی هـا بچنگند و حافظ و نگهبان صورت جسمانی خود در زمین باشند. از اینرو وظیفه فرور در زمین جنگجویی برای پشتیبانی از نیکی و از میان بردن پلیدی و بدی است و معنی کلمه فرور نیز چنانکه خواهد آمد مبین همین وظیفه آنهاست و بقول «لومل» اینان همزادان انسان هستند که در ابتدای زمان بمیل خویش پذیرفته اند که در جنگ کیهانی علیه اهریمن شرکت کنند.

پیوستگی آفرینش با فرور

بنابر عقیده زروانیان که در مورد خلقت با اندک تفاوتی با مزدا پرستان همدستانند، زروان بی کرانه پس از آنکه مدتها از عدم خلق و زایش خود آزرده بود به هر مزد بارور میگردد، ولی چون در زایش هر مزد درنگی روی

میدهد در دل مادر شك و تردید پدیدار میشود و همین شك موجب ایجاد اهریمن در بطن مادر میشود و زروان بیکرانه که میخواست موجودی خوب پدید آورد، دارای دو فرزند می شود و باه آسن خرد، یا خرد فطری در مییابد که یکی از آنها نیک است و منشاء خیر خواهد بود و دیگری بد است و سرچشمه بدیها خواهد گشت، ولی چون هر دو فرزند وی هستند نمیخواهد منشاء بدی را نابود سازد، از این رو پیش خود میانندیشید که فرمانروائی جهان را بفرزندی که زودتر از شکم مادر بیرون آید بسپارد. فرزند بد یا اهریمن اندیشه مادر را در مییابد و از درون شکم بیرون میشتابد. مادر پریشان میگردد زیرا نیت اصلی او آن بوده است که فرزندى خوب و زیبا بیافریند و فرمانروائی جهان را بدو بسپارد. از اینرو می اندیشد و مقدر میکند که فرمانروائی جهان سه هزار سال در دست او رمزد باشد، سه هزار سال در دست اهریمن و در آخر او رمزد پیروز شود. اما او رمزد برای پیروز شدن بر اهریمن به یاری فرورها و با حلول آنها در جسم مادی، انسان را خلق میکند تا وسیله پیروزی او باشند و اهریمن نیز دیوان و موجودات اهریمنی را می آفریند تا انسان را بفریبند. بنابراین جنگ نیکی و بدی از ابتدای خلقت تکوین میشود و هدف خلقت مادی پیشرفت نیکی و پیروزی خیر بر شر است که از ازل مقدر شده است.

در ادبیات پهلوی و در اندرز نامه ها وظیفه اصلی انسان و منظور از آفرینش او بارها تکرار شده است. دنیا عرصه جنگ و کشمکش موجودات ایزدی و اهریمنی است و هر دسته سعی میکند تا با وسایل خود بر انسان چیره شود. سپاه این نیک نیکی و صفات خوب است و سپاه آن دیگری بدی و حرص و شهوت. انسانی که کار ناشایستی می کند دیوی را در خانه تن خود مهمان می کند و وقتی که کار نیک می کند و با اصطلاح کرفه ای انجام میدهد دیوی را از تن خویش بیرون می راند تا جائی برای ایزدی باز کند. دیو چو بیرون رود فرشته در آید.

در کتاب ششم دینکرت این اندیشه چنین خلاصه گشته است: «آتورپات را گویند که گفت هر کس بیايد دانستن که از کجا آمده ام، برای چه آمده ام و باز بکجا شوم. من از بهر خویش دانم، که از هر مزد خدای آمده ام، و بی تخشا کردن (بی اثر کردن) دیو دروغ را ایدرم و باز به هر مزد شوم.»

مراحل ششگانه آفرینش

همانطور که در ادیان سامی خداوند مخلوق را در شش روز می آفریند، در ایران کهن نیز اهورا هنگامیکه با آفرینش جهان مادی از روی جهان فروری می پردازد آنرا در شش بار یازشش گهنبار می آفریند. در گهنبار میدیوزرم یعنی در روز چهل و پنجم سال آسمان را می آفریند. در گهنبار میدیوشم در صد و پنجمین روز سال آب را می آفریند. در پتیه شهیم در صد و هشتاد و پنجمین روز سال زمین را بوجود می آورد. در ایاسریم در دو بیست و دهمین روز سال گیاه را خلق می کند. در میدیارم در دو بیست و نودمین روز سال جانوران را ایجاد می کند و سرانجام در گهنبار همسپتدم یعنی در سیصد و شصت و پنجمین روز سال انسان را می آفریند.

بنابر این سنت، آفرینش انسان در روزهای آخر اسفند واقع گشته و مثالهای انسان در عالم مینوی در این موقع سال بر زمین آمده و به پیکر مادی در آمده اند و روزهای نخست از فروردین ماه مخصوص آنهاست و از اینرو نخستین ماه سال بنام آنها فروردین نامیده میشود. واژه فروردین یا فرورتن Fravartên پهلوی مرکب است از Fravart باضافه پسوند اتصاف en یعنی منسوب به فرور.

ریشه واژه فرور

باین واژه نخستین بار در تاریخ ماد و سپس در کتیبه های فارسی باستان داریوش شاه بر میخوریم. فرورتی در تاریخ ماد یکی از پادشاهان ماد است که مورخان یونانی آنرا بصورت Phraortes ضبط کرده اند و در کتیبه های پارسی باستان یکی از سر کشانی است که داریوش با او جنگیده است. این واژه در اوستا بنا بر قاعده زبانشناسی تطبیقی ایرانی rt = sh به صورت فروشی Fravashi ظاهر میگردد و در پهلوی Fravahr و Fravar یا Fravart میشود.

این واژه مرکب است از پیشوند فرا Frā و ریشه Var. دارمسترون ریوسنگ این کلمه را هم ریشه با پرور Parvar فارسی بمعنی پروریدن و غذا دادن میدانند. اشپیگل دانشمند آلمانی آنرا از ریشه Vaxsh بمعنی و خشیدن و نمو کردن میدانند. یوستی Var را بمعنی گرویدن و ایمان آوردن دانسته و واژه باور

فارسی را از همین ریشه می‌پندارد. برخی دیگر از دانشمندان Var را بمعنی برگزیدن وعده‌ای دیگر آنرا بمعنی پوشانیدن و پشتیبانی کردن و پناه دادن میدانند. اما استاد بیلی دانشمند معاصر انگلیسی واژه‌ورت Vart را هم ریشه و شکل کهن واژه‌کرد Gord بمعنی دلیر و جنگاور میدانند و عقیده دارد که این موجودات مینوی بخاطر دلیری و وظیفه‌پهلوانی و جنگجویی که دارند Vart یا گردنامیده شده‌اند. این واژه بنا بر عقیده وی از ریشه Verethra بمعنی دفاع و مقاومت آمده است.

همین کلمه Verethra است که پس از ترکیب با فعل کن Gan، و رثرکن Verethragan یا Verethragna میدهد که پس از تحول بصورت ورهران Vâhrân و Vâhrâm و واهرام Bahrâm و واهان Vâhâgen در زبانهای پهلوی و فارسی وارمنی نمودار میشود و بهرام همان ایزد جنگ و جنگاوری است. و نام Fravartish فارسی باستان نیز که بمعنی «گرد برجسته و عالی مقام» است مؤید این نظر است. این نظر را نقوش برجسته نینوائی که در آنها نقش فرور بیشتر در میدانهای جنگ دیده می‌شود تأیید میکند. گویا تصور فرور با جریان اندیشه‌ها و عقاید مذهبی هند و اروپائی به نینوارا یافته است.

ترکیب وجود انسان

در بندهشن بزرگ آمده است که هر مزد انسان را از پنج نیرو آفرید، این پنج نیرو عبارتند از: تن، جان، روان، ادونک، فرور.

بدن جزء مادی است، جان چیزی است که با باد پیوستگی دارد. روان نیروئی است که در بدن بایاری Bod^۶ (یعنی بویا احساس) می‌شوند، میبینند، سخن میگویند و میشناسند. ادونک AdvênaK که در فارسی امروز بصورت آئین و آئینه در آمده است تصویر یا شکل (Forme) است و مقام آن در کره خورشید است. فرور نیروئی است که از پیش اهورا می‌آید و پس از مرگ بدن باز به پیش او باز میگردد. این بخش بندی با بخش بندی اوستائی اندکی فرق دارد. در آنجا در ترکیب انسان دو قسمت مادی یعنی تن و ادونک و وظیفه‌ای ندارند و انسان از پنج عنصر مینوی: Axv، دئنه Daêna، بشو Baodha، اورون



پرو مشكاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Urvan و فروشی Fravashi ترکیب یافته است. بهنگام تولد کودک این چند نیرو بهم می آمیزند و وقتی که انسان بر اثر اعمال اهریمن و پیروزی او میمیرد، تن بخواک باز میگردد، جان بیاد می رود، شکل بخورشید باز میگردد، اما روان اگر متعلق به شخصی پرهیزکار باشد فرور می پوندد و بجهان مینوبار میگردد، اما اگر متعلق به مردی ناپرهیزکار باشد، يك چند درعالم برزخی تصفیه میشود و خود را از آلودگی های اهریمنی میرهاند و باز بسوی عالم مینو می رود.

در این مجموعه پنج گانه جزء اصلی و ایزدی همان فرور است که موجب رشد و نمو کودک میشود و او را نگهبانی میکند.

بنا بر عقاید ایرانیان زندگی می بایستی جاویدان باشد، و در روز گاری هم که فرمانروایی جهان با مزدا بوده و اهریمن توانائی مقاومت باوی را نداشته است، زندگی مادی جاودانی بوده و انسان در مرحله زرین زندگی سیر می کرده است و اگر انسان میمیرد، برای آنستکه هنوز اهریمن ناتوان نشده است و مرگ یکی از آثار اوست و روزی فرا خواهد رسید که انسان باز بی مرگ خواهد گشت.

هنگامی که اهریمن بريك انسان زنده پیروز میشود و او را باستان مرگ می برد، فرور از بدن می گسلد، ولی چون باشیان زمینی خود دل بسته است سه روز در بالای خانه پرواز می کند و با مداد روز سوم به عالم مینوپر می کشد. بنا بر این انسان زنده وقتی بوجود می آید که يك فرور با اصطلاح پهلوی دارای ظاهر کیتیکیه یا ظاهر مادی شود و تولد کودک حادثه تازه ای نیست بلکه امری است که هر مزد در ابتدای خلقت آنرا تصور کرده است. يك فرور سه مرحله وجودی دارد: مرحله پیش هستی یا Pré-existence، زندگی زمینی یا Co-existence و زندگی پسین یا Future existance. فرورها در هر يك از این سه دوران وظایفی دارند. در هنگام پیش هستی در کار گرداندن جهان سهیم اند. هنگامی که بر زمین می آیند باروان همراه میشوند و آنرا رهنمایی می کنند زیرا روان در عین اینکه مینوی است جنبه مادی هم دارد و واسطه بین کالبد و اشراق الهی است و با حواس و احساس های انسان بستگی

دارد و ممکن است تحت تأثیر آنها براه خطا رود و فاسد شود. فرورها توسط بوی Baodha یا شعور، روان را رهنمایی می کنند و روان مردعاقل و پرهیزکار، این رهنمایی را می پذیرد.

وظیفه و نیروی فرورها

فرورها همزادان و باصطلاح «من» آنها درعالم بالا هستند و تمام آنها از فروران نخستین تا انسان آخرین که سوشیانت است برای جنگ علیه اهریمن و متابمان او بر زمین فرود می آیند و وظیفه اصلی آنان نگاهبانی و محافظت و جنگ و ستیز برای از میان بردن عوامل اهریمنی است.

اینان نگاهبانان آسمانند، از فروشکوه فرورهاست که ماه و خورشید و ستارگان در مدارهای خود حرکت میکنند، هفتورنگ یا خرس مهتر (= دب اکبر) را اینان پاسبانی میکنند، زمین را اینان حفظ میکنند، دریای فراخکرت و دریای و ثورو کش Vourukash را ۹۹۹۹۹۹ فرور پاسبانی می کنند. رود بزرگ اردویسور را اینان بجریان می اندازند. نطفه زرتشت را در دریاچه هامون ۹۹۹۹۹ فرور نگاهداری میکنند تا در هزاره های آخر زمان دوشیزگانی در آب دریاچه هامون آبتنی کنند و هوشیدرو هوشیدرو ماه و سوشیانت مهیدان موعود زرتشتی از بطن آنان و نطفه زرتشت متولد کردند. پیکر خفته گرشاسپ راهمین فرورها نگاهبانی می کنند، نگهبان کشور ایران اینانند. فرور باریدن باران، روئیدن گیاهان و بادهایی که ابرها را میرانند به نیروی آنان است. اینان در شکم مادران کودکان را حفظ میکنند و زایش را آسان میسازند و مواد خوراکی را در درون انسان به نیرو تبدیل میکنند و انسان را میپرووراندند. در جنگهای سخت و در سختی ها هنگامیکه مردمان پرهیزکار آنان را بطلبند سرعت خیال فرور میرسند و چالاک و مهیب هستند و سلاح و سپر فلزی و درفش برافراشته دارند و از هیچ چیز آسیب نمی بینند.

معمولا فرورهای مردم زنده، قوی تر از فرورهای درگذشتگان هستند و نیز فرورهای پاکان و مقدسان نیرومندتر از فرورهای دیگر هستند. در فروردین - یشت فرورها با پیکر انسانی توصیف شده و خوب چشم و تند نظر و شنوا و

بلند بالا و تیز پرواز هستند و گویا از روی همین توصیف ارستانی است که اینان در نقوش برجسته ایران کهن و آسور و سومرو هیتی و میتانی بشکل انسانی بالدار کنده گری شده‌اند. از فروردین یشت چنین برمی آید که تمام موجودات جهان مادی از حیوان و نبات تا سنگهای معدنی همه دارای فرور هستند و فرورها دو نوع اند: فرور انسانی و فرور غیر انسانی ولی اشیاء مصنوع فرور ندارند. درخت دارای فرور است ولی میز که مصنوع است فرور ندارد.

همزاد آسمانی و آل

اعتقاد به همزاد آسمانی از زمانهای بسیار کهن نزد بسیاری از ملتها وجود داشته است. همزاد در فولکلور ایرانی نقش مهمی دارد و بهنگام تولد کودک باوی همراه است و در زندگی او را رهنمائی می کند و پشتیبان اوست. عقیده به همزاد با عقیده کهن ایرانی و اعتقاد به فرورها بستگی دارد و ادامه همین تصور است. آل که در عقاید عامیانه بهنگام زایمان زنان پدیدار میشود و گاهی کودک و گاه مادر را میبرد از همین عقیده ایران کهن به فرور سرچشمه گرفته و تصور فرور به خاطر راز آمیز بودنش رفته رفته جنبه ترس آوری بخود گرفته است و این فرض از نظر قواعد زبانشناسی نیز قابل توجیه است. ایرانیان قدیم فرور را *Artāy Fravashi* یعنی فروشی مقدس یا فرور مقدس مینامیدند و در کتب متأخر زرتشتی این صفت و موصوف همواره باهم آمده اند و در اثر تحول زبان و خط بصورت کلمه مرکب اردای فروش *Ardāy Forush* استعمال میشوند و با حذف موصوف، صفت *Ardāy* به تنهایی باقی مانده و واژه اردا *Ardā* بنا بر قواعد زبانشناسی ایرانی می تواند تبدیل به آل *al* شود.

تصور همزاد در ملل دیگر

تصور فرور در میان اقوام مختلف وجود دارد. یونانیان قدیم معتقد به وجود *Ideas* یا *Idée* بودند که اساس آنرا در فلسفه افلاطونی می توان یافت. برخی از خساور شناسان عقیده به مثال را در فلسفه یونانی اقتباس از فلسفه فرورها در عقاید مذهبی ایرانی میدانند.

در اساطیر رومی ژنیوس ها Genius موجوداتی هستند که مظهر وجود مینوی انسان هستند و بهنگام تولد کودک بوجود می آیند و وظیفه اصلی آنها نگهداری آنها در هنگام زنگام زندگی است. و نیز نوادگان را نگهداری میکنند و بهنگام عروسی حضور دارند و موجب باروری میگردند. رومیان به ژنی خود ژنی دیگران سوگند میخورند و ژنی امپراتور فیرومندترین ژنی ها بود و حتی خدایان نیز دارای ژنی بودند. پرستش و نیایش این ژنی ها عبارت بود از فدیة شراب و گلوشیرینی و بخور.

رفته رفته اعتقاد رومیان به Genius با پرستش مانس Manes آمیخته گشت. مانس ها بنا بر عقیده رومیان ارواح در گذشتگان هستند که میتوان همواره آنها را با تقدیمی فدیة خوشنود ساخت. ستایش آنان عبارت بود از تقدیم شیر، عسل، شراب و گل به آنان. ده روز پس از مرگ هر کسی تشریفاتى برپا کرده و غذاهای مخصوصی تقدیم مانس در گذشته میگردند. جشنی که برای او برپا میساختند روزاریا Rosaria نام داشت که در آن جشن گل سرخ یا بنفشه بر کور در گذشته نثار میگردند. جشن دیگر که پارتالیا Parentalia نامیده میشد در اواخر ماه فوریه برپا میشد و مدت ده روز بطول می انجامید و تمام شهر در آن شرکت میگردند.

بنا بر عقیده هندیان کهن پیترها Piter در آسمان سوم زنگامی میگردند. کلمه پیتر معادل است با واژه پدر در فارسی. جایگاه اینان که در جنوب واقع شده است Pitroka نام دارد. پیترها در جشن های خدایان شرکت میکنند و با ایندرا Indra و خدایان دیگر در گردونه آسمانی سوار میشوند. اینانند که آسمان را ستاره نشان میکنند و روشنائی و تاریکی بوجود می آورند. هزاران تن از آنها در ضیافت های مذهبی بر زمین فرود می آیند و از آنها خواسته میشود که ثروت و فراوانی و زندگی دراز بفرزندانشان ببخشند و ببازماندگان خود یاری کنند.

مصریان کهن نیز به همزاد عقیده داشتند و آنرا Kaka مینامیدند. مصریان

ابتدا تصور میکردند که فقط پادشاهان دارای Ka هستند ولی بعدها همه انسانها دارای Ka شدند.

پاترن‌ها Patterns یا نمونه‌هایی که در تورات آمده است نیز با عقاید ایرانیان شباهت دارد. در تورات آمده است که خداوند نمونه و مثال Tabernacle یا خیمه‌ای را که میل داشت فرزندان اسرائیل بسازند پس از خروج قوم یهود از مصر در بیابان به موسی نشان داد.^۱

اقوام سومری و آشوری نیز به موجودی مینوی که در جنگ‌هایار و یشتیبان سپاهیان است اعتقاد داشتند و در نقوش برجسته و مهرهای آنها مظهر این موجود نقش شده است. این مظهر گاهی بشکل انسانی بالدار کشیده شده که در آسمان بر فراز سپاه پرواز میکند و کمانی در دست دارد و تیری بسوی سپاه دشمن می‌افکند و گاه نیز فقط بشکل قرص بالدار است و در این صورت بیشتر به نقوش مصری شبیه می‌شود.

تصویر فرور

در نقوش برجسته هخامنشی اغلب بر فراز صحنه‌های نمایشی، انسانی بالدار نقش شده است. این شکل گاهی بشکل نیم‌تنه بالدار است، گاهی هم بشکل قرص بالدار ظاهر می‌شود. قرص بالدار بیشتر جنبه تزئینی دارد و شاید اقتباس از ملت‌های مجاور باشد ولی هنگامیکه بصورت نیم‌تنه بالدار بر فراز همین قرص‌های تزئینی پدیدار می‌شود نمودار اندیشه‌های مذهبی قومی است. بکار رفتن این نقش در نزد هیتی‌ان و میتانیان که از ملت‌های کهن هند و اروپائی و از شاخه‌های هند و ایرانی هستند، و نیز عقیده هند و اروپائی‌ان به همزاد آسمانی و فروردین‌یشت اوستا و توصیفی که در آن از فرورها شده است نظریه هند و اروپائی بودن این نقش را از نظر تصویرشناسی تأیید می‌کند.

بسیاری از مستشرقان این نقش را نقش اهورامزدا می‌دانند ولی چون نه در اوستا و نه در کتیبه‌های پارسی باستان اهورامزدا بصورت یک انسان توصیف نشده و یک تصور مجرد Abstrait آمده است از اینرو این شکل نمیتواند شکل

1- Hebrew IX, 123 و Exodus XXV⁹

اهورا مزدا باشد و خود نیم تنه انسانی این شکل میرساند که این شکل میبایستی همزاد آسمانی انسان باشد و چون این همزاد یا مثال فروغی از خود اهورا و تجلی خود اوست، دارای قدرت و نیروی مافوق انسانی خواهد بود. بنا بر این آنچه که در بالای سرداریوش پرگشوده است مثال خود اوست که نیروئی از مثال تمام جهان و خود اهورا را هم دربردارد و از داریوش پشتیبانی می کند در تأیید این نظر باید بخاطر داشت که شاهنشاهان هخامنشی و ساسانی همه خویشان را برگزیده خدا میدانستند که برای نجات ملت فرستاده شده اند و این از سنگ نوشته های متعدد هخامنشیان و ساسانیان پیداست. شاهان ساسانی بنا بر سنت های مذهبی کهن، خود را از نژاد ایزدان میدانستند: «شاپور شاهنشاه که چهار از یزدان دارد»^۱.

معتقدات زرتشتیان امروزی رانیز نباید از نظر دور داشت. اینان که آداب و سنت ها و روایات خویش را پدر در پسر بخوبی حفظ کرده اند، این نقش بالدار را نقش فرور می دانند. اگر چنین بیندازیم که این نقش سمبل فرور اهوراست که شامل فرورهای دیگر از جمله فرور خود شاهنشاه نیز میشود، میتوانیم عقیده مستشرقان و زرتشتیان را بهم نزدیک سازیم.

فروردین ماه و فرورها

فرورهای نیاکان بهنگام گاهانبار همسپندم یعنی ۵ روز آخر سال که اهورا آنها را خلق کرده است، به زمین فرود می آیند و از همین روست که گیاه میروید و شکوفه و گل و برگ بر شاخه ها پدیدار میشود. پنج روز آخر سال پارسی از روز اشتاد یعنی روز بیست و شش اسفندماه است تا روز و هیشتاویشت، و این پنج روز را روزهای کاسانیک مینامند و مخصوص یادآوری در گذشتگان است. در این روزها فرورها در شادی و خوشی خانواده شریک میشوند و مدت ده روز مهمان خانواده خود هستند. اینان هیچگاه خاندان خود را فراموش نمی کنند و علاوه بر آنکه هر گاه فرا خوانده شوند بیاری خانواده می شتابند، سالی یکبار نیز بطور جمع بر زمین می آیند. در این روزها باید خانه پاک

۱ - کتیبه شاپور در شهر شاپور.

باشد. درخانه و خاندان باید صلح و صفا برقرار باشد و ازینرو همه افراد خانواده باید در هنگام عید در آشتی و صلح باشند زیرا اگر چنین نباشد و خانه پرانده و غم باشد، مهمانان آسمانی دیری در آن خانه نمی‌پایند و ناخشنود از خاندان می‌روند و برکت از خانواده بریده می‌شود.

فروردین یشت

در اوستایشت سیزدهم مخصوص فرورهاست و فروردین یشت خوانده می‌شود این یشت بسیار کهن بدو بخش تقسیم می‌شود. در بخش اول از کرده ۱ تا ۲۵ فرورهای پرهیزکاران بعنوان نیروهای نگاهبان موجودات ستایش می‌شوند.

« اهورامزده اسپتیمان زرتشت گفت اینک ترا براستی ای اسپتیمان از زور و نیرو و فرو و یاری و پشتیبانی فرورهای توانای پیروزمند پاکان آگاه سازم که چگونه فرورهای توانای پاکان بیاری من آمدند و چگونه مرایاری کردند. از فروغ و فرآنان است ای زرتشت که من آسمان را در بالا نگاه میدارم که از فراز نور افشانند ...»

از فروغ و فرآنان است ای زرتشت که من زمین فراخ اهورا آفریده را نگاه میدارم. اگر فرورهای توانای پاکان مرایاری نمی‌کردند، دروغ نیرو میگرفت، دروغ فرمانروا میشد، جهان مادی از آن دروغ می‌گردید. از فروغ و فرآنان است که زنان بفرزندان بارور شوند.

از فروغ و فرآنان است که آنان با سانی زاینند...^۱
در کرده‌های ۲۶ تا ۳۹ و ۴۵ و ۴۸ از آنها بعنوان جنگجویان نیرومند و سهمناکی یاد می‌شود که بخاطر خاندان و میهن خود می‌جنگند:

« در صف رزم برای محل و منزل خویش می‌جنگند، در آنجایی که هر یک آشیان و خانه داشته‌اند، آنچنان که گوئی مردی دلیر سلاح بکمر بسته از ثروت فراهم آورده خویش مدافعه می‌کند.»

در کرده‌های ۴۲ تا ۴۴، ۵۲ تا ۵۸ و ۶۴ تا ۶۸ همچون نیکو کارانی ستایش می‌شوند که به سرزمین‌ها باران می‌فرستند و گیاهان را می‌رویانند.

در بخش دوم فرورهای قهرمانان مزدائی از کیومرث نخستین آدم تا سوشیانت پسرین آدم بر شمرده میشوند و فرور آنان ستایش میشود. در این بخش فرورهای نیکان سرزمین های دیگر و فرور زنان مقدس مزداپی نیز ستایش میشود :

« فرور پاکدین ایدواستر پسر زرتشت را میستاییم و فرور پاکدین اورتندر پسر زرتشت را میستاییم و فرور پاکدین خورشیدچهر پسر زرتشت را میستاییم . . »

نام گرهن

چون در هنگام جشن فروردین و در هنگام های دیگر سال باید فرورهای گذشتگان را بیاد آورد و از آنان یاری طلبید ، از این رو در ایران کهن رسم بر این بود که در هر خاندانی دفتری داشتند که نام در گذشتگان را در آن می نوشتند و این نسب نامه برای آن بود که از روی آن نام تمام در گذشتگان در مراسم مذهبی یاد شود و به فرور آنها درود فرستاده شود. این دفتر را پارسیان نام گرهن Nâm Graham می نامند. واژه Graham با گرفتن فارسی و Greifen آلمانی هم ریشه است و نام گرهن بمعنی نگاه دارنده و حفظ کننده نام است. چنین دفتری در خانواده های زردشتی ایران نیز وجود دارد و آنرا دفتر « آمرزش روان » می نامند.

جشن فروردین و مهرگان

چنین بنظر میرسد که جشن فروردین جشن دینی ایران شمالی بوده است که مهد آئین زرتشت است و آداب و رسوم اوستائی در آنجا بیشتر رایج بوده است ایرانیان شمالی این جشن را بیاد در گذشتگان خود و بنا بر عقیده ای که به فرورها و نزول نخستین فرور در روزهای همسپتم داشتند، برگزار میکردند. اما ایرانیان جنوبی یعنی هخامنشیان جشن اول سال را در مهر ماه می گرفتند و آنرا فمکان مینامیدند. کلمه سال در فارسی که بعنوان واحد زمانی بکار رفته است مشتق از کلمه سرد Sareda ایرانی. کهن بمعنی سرد است و از این رو آغاز آن ابتدای فصل سرد یعنی مهر ماه بوده است. و نیز بهمین جهت است که نوروز در لهجه های

میانه ایرانی نوسرد Nosard و در ارمنی Nava Sarda گفته میشود. گویا در دوران ساسانیان که خود جنوبی بودند ولی به سنت‌های شمالی و اوستایی بیشتر علاقه داشتند، جشن دینی فروردین در ناحیه جنوبی ایران زمین بزرگ رونق و شکوه یافت.

مراسم نوروزی

چون جشن فروردین در ایران هنوز برپا میشود، همگان کم و بیش از مراسم آن آگاهند و در اینجا فقط بذکر آئین پارسیان در هنگام جشن فروردین اشاره میشود.

در خانواده‌های پارسی برای جشن فروردین خانه را تمیز و دیوارها را سفید می‌کنند و اگر نتوانند همه اطاق‌های خانه را سفید کنند حتماً اطاقی را که در آن مراسم نوروزی برپا میشود سفید می‌کنند و می‌آرایند و بر روی میزی کوزه آب و گلدان گل و ظرفی از آتش می‌گذارند و آتش را با چوب سندل و چوبهای خوشبو نیرو میدهند و هر کسی می‌بایستی بادست خود چوب بر آتش بگذارد و نام درگذشتگان خانواده را برشمارد. گاهی برای هر يك از کسانی که بتازگی در گذشته باشند يك گلدان گل در اطاق مخصوص فروردین می‌گذارند و این یادآور رسم قدیم Rosaria در روم قدیم است که ذکر آن گذشت. آنکتیل دوپرون Anquetil du Perron مینویسد که در زمان وی پارسیان بهنگام نوروز از خانه بیرون نمی‌رفتند زیرا رفتن صاحب‌خانه موجب ناخشنودی مهمانان آسمانی میشد.

مردم شهریار معتقدند که در شب آخر سال ارواح درگذشتگان به خانه‌های خود باز میگردند و اگر چراغ فرزندان روشن باشد شاد میگردند، از اینرو بهنگام جشن سال نو پیش از تاریک شدن هوا چراغ می‌افروزند.

چهارشنبه سوری

مردم ایران کهن پیش از فرا رسیدن هر جشن مذهبی با تشکده‌ها روی می‌آوردند و به نیایش می‌پرداختند. زیرا آتش در دین ایران قدیم مقدس بود و از نظر مقام بمنزله فرزند اهورا محسوب میشد. بنابراین پیش از جشن

نوروز مخصوصاً بایستی به آتشکده رفت . اما افروختن آتش در چهارشنبه شب مسلماً سالها پس از آغاز دوره اسلامی در ایران رایج گشته است زیرا در ایران قدیم هفته نبوده است و برای ایام هفته نامی نداشته اند . اما رسم آتش افروزی پیش از عید بسیار کهن است و حتی مربوط به زمانهای پیش از زرتشت و دورانهای هند و اروپایی است .

واژه سوری فارسی صفت پهلوی سوریک Surik است . ik پسوند نسبت است و Sur بمعنی سرخ است و در زبان فارسی گل سوری بمعنی گل سرخ از همین ریشه است و این چهارشنبه را از آن جهت سوری گفته اند که در آن آتش سرخ افروخته میشد . این آتش در هنگام ساسانیان گویا در شب آغاز همسپتدم یعنی ششم اسفندماه افروخته میشده است و شاید از اینرو بوده است که فرورها از دیدن دود آتش ، جایگاه و باصطلاح دودمان خویش را باز شناسند و بدانسوی پرواز کنند . فرور در گذشته چنانکه گذشت وابسته به دودمان است و واژه فرانسوی Foyer نیز که بمعنی خانه و خانواده استعمال میشود یادگار ریشه کهن هند و اروپایی است و با Feu بمعنی آتش هم ریشه است .

آتش افروزی پیش از نوروز و مخصوصاً آتش افروزی بر روی بامها که در ایران کهن مرسوم بوده و امروز نیز در روستاها معمول است گویا برای راهنمایی فرورها بسوی دودمان هاست ، تا دودمان خویش را باز شناسند و ده روز در میان فرزندان خویش بسربرند .

کجاوه بازی و شال اندازی

در آذربایجان رسم کجاوه اندازی و در روستاهای نزدیک تهران رسم شال اندازی در شبهای نزدیک عید و در شب چهارشنبه سوری یک سه بولیسیم نیاز و فدییه به فرورهاست و آن چنین است که در این شبها در آذربایجان جمعبه های کوچکی با کاغذهای رنگین بشکل کجاوه میسازند و ریسمانی بآن می بندند و جوانان بر بام خانه ها می روند و کجاوه را از کنار پنجره ها می آویزند و صاحب خانه شیرینی و خشکباری را که قبلاً برای این منظور تهیه کرده است در کجاوه ها می ریزد و صاحب کجاوه آنرا فرامی کشد .

در رسم شال اندازان ، جوانان شالهای خود را فرومی اندازند و صاحب خانه شیرینی و گاه پیراهن و دستمال و غیره در آن می پیچد و گره می زند. کسانی که شال یا کجاوه می اندازند همیشه نامرئی هستند و نبایستی شناخته شوند. این رسم یادآور رسمی است که در دوران زندگی ابوریحان بیرونی نیز مرسوم بوده است. وی می نویسد که مردم بهنگام فرودگان برای پذیرائی از ارواح بر بام خانه غذا می گذاشتند.^۱

جشن جاوید

جای بسی شادمانی است که ارتش شاهنشاهی رسمی نیکو نهاده است و مراسم جاوید را بیاد گارسربازانی که در راه کشور جان باخته اند در روز بیستم اسفندماه برپا می کند و این رسم کهن ایرانی را زنده گردانده است. چنانکه گذشت فرورهای جاویدان این گردان در گذشته، بنا بر سنت کهن در همین روزهای اواخر اسفندماه بر زمین فرودمی آیند و بخاندان های خویش میروند. اینان که اینگونه باشکوه از سپاس داری ارتش و ملت برخوردار میشوند بنا بر روایت اوستای مقدس خوشنود بعالم مینو بازمی گردند و برکت و نیک روزی به کشور و پاسداران گرامی آن می بخشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- ابوریحان بیرونی - کتاب التفهیم ص ۲۵۶.

کتابهایی که در این گفتار از آنها سود جسته‌ام :



۱ - یشت‌ها ، تفسیر یوردادود ، بمبئی ۱۹۲۸

- 2 - Zurvan by R. C. Zaehner, Oxford 1955.
- 3 - La religion de l' Iran ancien par J. Duchesne - Guillemin Presses Universitaires, Paris 1962.
- 4 - Iranisches Namenbuch von F. Justi, Hildesheim 1963.
- 5 - Old Persian by R. Kent, New Haven 1953.
- 6 - The Religious ceremonies and customs of the Parsees, by J. J. Modi, Bombay 1922.
- 7 - Le Zend-avesta par J. Darmesteter, Paris 1893.
- 8 - History of Zoroastrianism by Dhalla, Cama Oriental Institute, 1963.
- 9 - Cultes, Mythe et Cosmologie dans l' Iran ancien par M. Molé, Presses Universitaires, Paris 1963.
- 10- The dawn and twilight of Zoroastrianism by Zaehner, Putnam's Sons, New - York .
11. Dictionnaire illustré de la Mythologie et des Antiquités grecques et romaines par H. Lavedan, Hachette, Paris 1931.
12. Dictionnaire de la Mythologie grecque et romaine par P. Grimal, presses Universitaires, Paris 1958.